ادامه از صفحه اول

اتفاق بد در سالگرد تولد اوپک

از سوی دیگر، تولید نفت آمریکا که سال گذشته به بالاترین میزان در تاریخ خود رسید حتی صادرات را ممکن کرد. بی‌نیازی آمریکا از واردات نفت از خاورمیانه، درحالی‌که دیگر کشورهای عمده واردکننده نفت از این منطقه مانند چین، هند، ژاپن، کره‌جنوبی و برخی کشورهای اروپایی بیش از پیش به این واردات وابسته هستند، شرایط ایدئالی را برای آمریکا فراهم کرد تا بر سر ایجاد امنیت صادرات نفت از منطقه به آشوب کشیده‌شده خاورمیانه در موضع بالاتری نسبت به دیگر قدرت‌ها قرار بگیرد.

اما سال ۲۰۲۰ با توجه به اینکه سال انتخابات در آمریکاست و رئیس‌جمهورِ بر سر کار به هر وسیله ممکنی برای انتخاب مجددِ دست خواهد زد، قرار است سال بسیار بدی برای صادرکنندگان نفت باشد؛ چراکه کاهش ادامه دارد. قیمت نفت در ماه‌های آتی که کاهش قیمت بنزین را در آمریکا به دنبال خواهد داشت، با توجه به اهمیت این بخش از هزینه آمریکایی‌ها، می‌تواند برگ برنده‌ای در اختیار رئیس‌جمهور قرار بگیرد، زیرا ارزان‌شدن نرخ بنزین در آمریکا برخلاف بالارفتن ارزش سهام که بیشتر بر ثروت طبقه متوسط به بالا و ثروتمندان می‌افزاید، تقریبا همه اقشار کشور را دربرمی‌گیرد و به‌طور مستقیم درآمد قابل مصرف آنها را بالا می‌برد. کشورهای واردکننده عمده نفت هم از اینکه هزینه واردات آنها کاهش چشمگیر پیدا بکند، بسیار خشنود خواهند شد، گرچه به نظر نمی‌رسد این کاهش هزینه نفت وارداتی برای کشوری مانند چین که اقتصادش تحت تأثیر اشاعه ویروس کرونا، کاهش چشمگیری را در ماه‌های آینده انتظار می‌کشد، برای جلوگیری از کاهش شدید رشد اقتصادی آن کشور کافی باشد. اگر کاهش شدید قیمت نفت به انتخاب مجدد ترامپ کمک شایانی بکند، به نظر نمی‌رسد که ولیعهد جوان سعودی که در انتظار رسیدن به پادشاهی لحظه‌شماری می‌کند برای مدت کوتاه تا زمان انتخابات آمریکا با آن مخالفتی داشته باشد، به‌ویژه اگر این کاهش قیمت نفت وضع اقتصادی رقبای عمده آن کشور در درون اوپک یعنی ایران، عراق و ونزوئلا را بیش از پیش سخت‌تر بکند. اگر در این میانه شرکت‌های نفتی آمریکایی، به‌ویژه تولیدکنندگان نفت شیل با مشکلاتی روبه‌رو بشوند، بعد از انتخاب مجدد ترامپ می‌توانند به بهبود شرایطشان امیدوار باشند. عملکرد روسیه در مذاکرات اخیر اوپک که به عدم موفقیت ناامیدکننده‌ای منجر شد، هنوز کاملا تحلیل نشده است، چراکه این کشور هم از قیمت‌های پایین صدمه خواهد خورد. شاید این کشور به روی بشکه‌های بیشتر صادراتی در دوره کاهش قیمت‌های نفت بیشتر حساب باز کرده باشد.ایران که روزهای سختی را در بازاریابی و صادرات نفت خود سپری می‌کند با چالش سخت دیگری روبه‌رو شده است که تنها همبستگی ملی که در روزهای اول انقلاب و سال‌های دفاع شجاعانه مردم دیده می‌شد، می‌تواند ما را از دوران سخت به سلامت عبور بدهد.

* رئیس سابق امور مجامع اوپک وزارت نفت

کرونا و قرنطینه؛ جدی هستیم؟

در تاریخ اسلامی در قرن اول هجری (۷۰۷م) خلیفه ششم اموی، ولید اول، برای پیشگیری از همه‌گیری بیماری جذام، دستور قرنطینه بیمارستان دمشق را صادر کرد. مارکوپولو (قرن سیزدهم میلادی) جهانگرد مشهور ایتالیایی که سفرهای خود را هم‌زمان با دوره ایلخانی، استیلای مغول، در سال‌های ۱۲۷۱م- تا ۱۲۹۵م در کشورهای مشرق‌زمین ازجمله ایران انجام داده بود، در سفرنامه خود ذکر می‌کند که چون به شهر تبریز رسیدم، بیماری طاعون در شهر شایع شده بود و چون دروازه‌های شهر را به علت بیماری بسته بودند، به ناچار ۴۰ روز را در این شهر بگذراندم. بنابراین مشخص است که حداقل از قرون وسطی «قرنطینه» امری بدیهی و متداول بوده و هرکسی که متوجه می‌شد بیماری خطرناکی در یکی از شهرها اتفاق افتاده است، از رفتن به آن شهر خودداری می‌کرد و اهالی شهرهای آسیب‌دیده نیز به گمان اینکه بیماری از طریق غریبه وارد شهر آنان شده است، سعی می‌کردند با بستن دروازه‌های شهر از ورود افراد غریبه بیشتر جلوگیری کنند. در طول تاریخ اخیر جهان نیز قرنطینه به‌عنوان یکی از راه‌های مهم مقابله با «همه‌گیری- اپیدمی» بیماری‌ها تا امروز به کار رفته است. در آمریکا و از پایان جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۴، تأسیس اداره قرنطینه دولت فدرال در قانون خدمات سلامت عمومی (PHSA) قرار گرفت. این قانون به دولت فدرال مسئولیت می‌دهد تا از انتشار، انتقال و گسترش امراض مسری از خارج به ایالات متحده جلوگیری کند. در سال ۱۹۵۳م (۱۳۳۲ش) اداره قرنطینه به زیرمجموعه وزارت سلامت، آموزش و بهزیستی افزوده شد. در سال ۱۹۶۷م (۱۳۴۶ش) اداره قرنطینه به صورت بخشی از آژانس «مراکز برای پیشگیری و کنترل بیماری‌ها» (CDC) درآمد. در سال ۱۹۸۰م (۱۳۶۱ش) آژانس مزبور و اداره قرنطینه در زیرمجموعه وزارت جدید «بهداشت و خدمات عمومی» قرار گرفت. از ابتدای سده بیست‌ویکم، «مراکز برای پیشگیری و کنترل بیماری‌ها» سامانه ایستگاه‌های قرنطینه را به صورت ۱۸ ایستگاه با ۹۰ نفر پرسنل ثابت سازماندهی کرد. این مجموعه در دهه‌های اخیر از پایش صرف و ایزوله‌سازی بیماری‌ها، به مدیریت برنامه و مداخله در بیماری‌ها توسعه یافته است.

ادامه در صفحه ۱۳

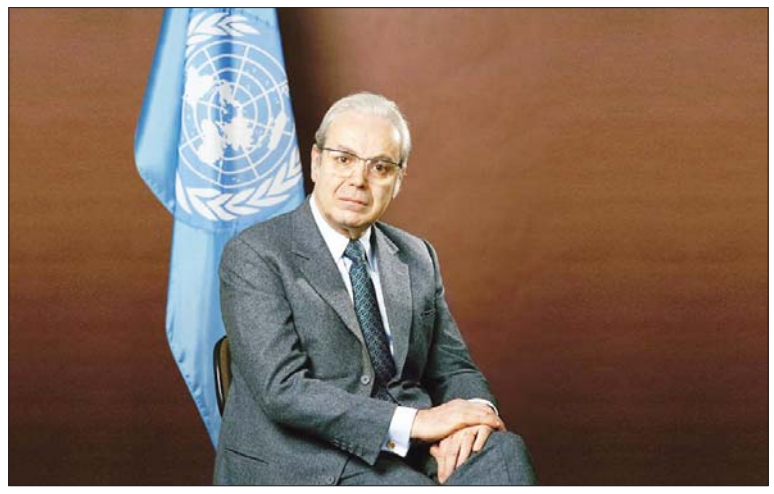

دبیرکل اسبق سازمان ملل در ۱۰۰ سالگی درگذشت

مرد آتش‌بس

شرق: نامش به قطع‌نامه ۵۹۸ گره خورده است؛ به همین اعتبار شاید تنها دبیرکل سازمان ملل بود که در ایران مردم کوچه و بازار هم درباره او حرف می‌زدند؛ آن‌هم در سال‌هایی که ارتباطات و انتقال اطلاعات به شکل امروز درنیامده بود. خاویر پرز دکوئیار در صدسالگی درگذشت؛ در لیما پایتخت پرو، همان‌جایی که سال ۱۹۲۰ چشم به جهان گشوده بود. دکوئیار در ۶۲ سالگی دبیرکل سازمان ملل شد و در قریب به ۱۰ سالی که این سمت را بر عهده داشت، در منازعات و مناقشات بین‌المللی زیادی به‌عنوان میانجی نقش‌آفرینی کرد؛ تا جایی که گاهی به شوخی خود را «رئیس دنیا» می‌نامید. او در سال پایانی جنگ به ایران آمد و البته تنها دبیرکل سازمان ملل بود که با آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهوری وقت و مقام معظم رهبری دیدار کرده بود.

۱۰ سال دبیرکلی و چالش‌های بین‌المللی

دکوئیار کمی بعد از نشستن بر کرسی دبیرکلی سازمان ملل، با پرونده درگیری انگلیس و آرژانتین بر سر جزایر مالوینـاس مواجه شد. او پیش از این با ورود به وزارت خارجه پرو، وارد عرصه سیاست شده بود. دکوئیار در دانشگاه کاتولیک لیما حقوق خوانده بود و بعد از ورود به وزارت خارجه در سفارت‌های پرو در اروپا و آمریکای لاتین کار کرد. او به سال ۱۹۸۲ به‌عنوان پنجمین دبیرکل سازمان ملل کارش را آغاز کرد. جنگ داخلی السالوادور، گروگان‌گیری آمریکایی‌ها در لبنان، صلح کامبوج و استقلال نامیبیا چالش‌های بین‌المللی‌ای بود که در دوره او اتفاق افتادند. دکوئیار در همه این رویدادها نقش پررنگی را در میانجیگری به‌عنوان دبیرکل سازمان ملل ایفا کرد. او در جریان جنگ‌های یوگسلاوی، در مذاکرات میان صرب‌ها و کروات‌ها نیز نقش داشت. ایفای نقش برای خروج نیروهای شوروی از افغانستان، دیگر نقطه فعالیت او بود. او همچنین به‌عنوان نماینده ویژه سازمان ملل در میانجیگری صلح بین یونان و ترکیه در ۱۹۷۴ حضور پررنگی داشت. به این ترتیب گستردگی حضور او در توافق‌نامه‌های بین‌المللی از خاورمیانه گرفته تا اروپا و آمریکا را دربر می‌گرفت. پس از مرگش، وزارت دادگستری و حقوق بشر پرو در توییتی درباره دکوئیار نوشت: «او در مقام یک وکیل، دیپلمات و دبیرکل سازمان ملل همواره ذات انسانی و دغدغه‌های خود را در قبال آسیب‌پذیرها نشان داد». دکوئیار اولین دبیرکل سازمان ملل از آمریکای لاتین بود. رئیس‌جمهور پرو در توییتی نوشت دکوئیار «همه زندگی خود را وقف کار برای توسعه و پیشرفت کشورش کرد» و «دموکراتی تمام‌عیار» بود. دبیرکل فعلی سازمان ملل نیز در بیانیه‌ای او را دولتمردی برجسته، دیپلماتی متعهد و الهام‌بخش دانست که «تأثیر عمیقی بر سازمان ملل و جهان گذاشت». آنتونیو گوترش دو ماه قبل در مراسم تولد صدسالگی دکوئیار نیز گفته بود: فعالیت‌های او نه‌تنها نقش سازمان ملل را پررنگ کرد، بلکه «کل حیات سیاسی جهان در قرن بیستم» را تحت تأثیر قرار داد. محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران نیز پس از مرگ دکوئیار نوشت که از خبر درگذشت او «اندوهگین» شده است. ظریف نوشت: «به‌عنوان یک دیپلمات جوان، مهارت او را تحسین می‌کردم؛ او پایان بسیاری از درگیری‌ها را سرپرستی کرد، ازجمله آتش‌بس جنگی که صدام حسین بر ایران تحمیل کرد». ظریف در مقطع جنگ ایران و عراق، در نمایندگی ایران در سازمان ملل حضور داشت. او در قطع‌نامه ۵۹۸ نیز نقش فعالی داشت؛ قطع‌نامه‌ای که به یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم خاتمه داد و از نقاط عطف کارنامه سیاسی دکوئیار نیز محسوب می‌شود.

آتش‌بس ایران و عراق

هشت سال بعد از جنگ تحمیلی، ایران قطع‌نامه ۵۹۸ را پذیرفت. قطع‌نامه در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ تصویب شده بود و ایران ۲۷ تیر ۶۷ آن را پذیرفت تا آتش‌بس بین ایران و عراق حاکم شود. نکته اینجا بود که پیش از قطع‌نامه ۵۹۸، ایران هفت قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل درباره پایان جنگ را رد کرده بود. عباس ملکی، از اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و دیپلمات باسابقه، دراین‌باره به «شرق» توضیح داده بود: «وقتی قطع‌نامه در سال ۱۳۶۶ صادر شد، عراق همان موقع یعنی یک سال پیش از ایران آن را پذیرفت. ایران به دلیل وجود دشمن در خاکش، قطع‌نامه را نمی‌پذیرفت و به همین دلیل عراق فکر می‌کرد همیشه همین منوال ادامه پیدا می‌کند. وقتی ایران پذیرفت، ما به همراه آقای ولایتی به نیویورک رفتیم. در جلسه با آقای دکوئیار (دبیرکل وقت سازمان ملل)، از تهران تلکس رسید که عراق دوباره از جنوب حمله و منافقین تا نزدیکی کرمانشاه آمده‌اند. وقتی آقای ولایتی به دکوئیار گفت، او باور نمی‌کرد که چنین حمله‌ای صورت گرفته باشد. او گفت باید چک کنم. عصر آن روز گفت هواپیماهای آمریکایی در منطقه تأیید کرده‌اند که نیروهای عراق در جاهایی که نبودند، وارد خاک ایران شده‌اند. تمام نگرانی آقای دکوئیار این بود که آمریکایی‌ها شاید پشت ماجرا باشند که آنها به او گفته بودند ما هم با حمله دوباره عراق به ایران مشکل داریم و مخالف هستیم. با فشار آمریکا و آقای دکوئیار، عراقی‌ها متوقف شدند». از نقاط مهم مورد توافق واقع‌شدن این قطع‌نامه، غیر از دلایل اقتصادی و سیاسی، بند ششم آن بود؛ بندی درباره مشخص‌کردن شروع‌کننده جنگ؛ یعنی موضوعی که برای ایران اهمیت بسیاری داشت. در این بند آمده است: «از دبیرکل می‌خواهد با مشورت ایران و عراق، مسئله تفویض اختیار به یک هیئت بی‌طرف برای تحقیق درباره مسئولیت منازعه را بررسی کند و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد». آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی سال‌ها بعد درباره این بند گفت: «ایشان حاضر شد قطع‌نامه را به آن شکل عوض کند و برای ما قدم مهمی بود و پیگیری کرد که این مسائل اجرا شود». اشاره مرحوم هاشمی به مشخص‌کردن کشور متجاوز و سپس بحث‌های مرتبط با غرامت بود. به همین دلیل ایران سال‌های بعد از جنگ نیز بحث بند ششم قطع‌نامه را پیگیری می‌کرد. دکوئیار سرانجام هشتم آذر ۱۳۷۰ در گزارشی به‌صراحت اعلام کرد «عراق جنگ را شروع کرده است».

دکوئیار بعد از سازمان ملل عزم ریاست‌جمهوری پرو را کرد؛ اما ناموفق بود و تنها برای مدت کوتاهی در سال ۲۰۰۰ بعد از استعفای آلبرتو فوجیموری، رئیس‌جمهور وقت پرو، به‌عنوان وزیر خارجه و نخست‌وزیر، به دولت انتقالی در برگزاری انتخابات‌های آزاد و منصفانه کمک کرد. او که به فرهنگ و زبان فرانسوی علاقه زیادی داشت، سال ۲۰۰۴ سفیر پرو در فرانسه شد و این فصل آخر زندگی سیاسی‌اش بود.

محمد صادق جوادی‌حصار و صادق زیباکلام تشریح کردند

حمله بیوتروریستی یا تئوری توطئه؟

ادامه از صفحه اول

جمهوری اسلامی ایران برای تأمین سه درصد از داروهای کشور به واردات نیاز دارد که بعد از تحریم‌های اخیر کشور دچار گرفتاری شد. اگر دونالد ترامپ و پمپئو راست می‌گویند و نگران گسترش کرونا در ایران هستند، تحریم‌ها را بردارند».

این سخنان فلاحت‌پیشه گرچه درباره عداوت آمریکا با ایران درست به نظر می‌رسد و تحریم‌های یک‌جانبه و حتی دارویی آمریکا علیه ایران مثال روشنی از کارشکنی‌های آمریکایی‌ها در حق ملت ایران است اما وجه دوم سخنش مبنی بر حمله بیوتروریستی دولت این کشور به ایران در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به نحوی که به باور برخی تحلیلگران سیاسی، طرح چنین موضوعی مبتنی بر تئوری توطئه است.

صادق جوادی‌حصار، تحلیلگر مسائل سیاسی، در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان طرح موضوع حمله بیوتروریستی آمریکا را نوعی تئوری توطئه دانست یا خیر، به «شرق» گفت: «معمولا تئوری توطئه زمانی خود را نشان می‌دهد که شرایط یک کشور از لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی دچار بحران باشد و مسئولان در حل مشکلات پیش‌آمده ناتوان باشند. در چنین شرایطی بعضا پیش می‌آید که پای دشمن فرضی یا حتی واقعی به میان آید. مثال تفکرات دایی‌جان ناپلئونی هم ریشه در همین تفکر دارد. این ماجرا یک‌سوی دیگر هم دارد. واقعیت این است که نمی‌توانیم بگوییم که ما هیچ دشمنی نداریم و هر مشکلی که ایجاد می‌شود، ناشی از بی‌تدبیری است. در حقیقت اگر نگاه مسئولان صرفا بر اساس تئوری توطئه جلو برود، دچار نوعی سهل‌انگاری شده است و اگر برخی بگویند ایران هیچ دشمنی ندارد، دچار غفلت شده‌اند. به نظر من، گرچه کشور ایران دشمن دارد و یکی از دشمنان مهم هم آمریکاست اما مشخصا در موضوع کرونا مسئولان برای آنکه خود را از فشار برهانند، این سخنان را مطرح می‌کنند. من در قبال چنین بحث‌هایی می‌گویم انسان از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود. اگر به گفته آن افرادی که آمریکا به چین و ایران حمله بیوتروریستی انجام داده، چرا مسئولان ایران با دانستن چنین موضوعی وقتی چین گرفتار کرونا شد، تمهیداتی ویژه برای این حمله بیوتروریستی انجام ندادند؟ با فرضیه آنها هم اگر جلو برویم و بپذیریم آمریکا دشمن چین و ایران است، چرا وقتی دانستیم علیه چین چنین حمله‌ای انجام داده است، پروازهای هوایی قطع نشد یا همه تجهیزات مانند مواد ضدعفونی‌کننده، ماسک و... در داخل کشور فراهم نشد تا اگر آمریکا به ما هم چنین حمله‌ای کرد، بتوانیم با قدرت آن را رفع کنیم؟ حتی وقتی کرونا به داخل ایران آمد هم قم قرنطینه نشد و مسئولان طوری جلوه دادند که گویی همه‌چیز عادی است. حتی برخی در قم استفاده از علم و تکنولوژی را در برابر دین قرار دادند و با ایجاد چنین دوگانه‌سازی‌های نادرستی سعی کردند مانع از مقابله با کرونا شویم».

این فعال سیاسی در پاسخ به پرسشی دیگر مبنی بر اینکه چرا مسئولان در موضوع کرونا سعی می‌کنند بر موضع اولیه خود بمانند و خود را با شرایط جدید وفق نمی‌دهند، اظهار کرد: «مسئولان از ابتدا گفتند قرنطینه نمی‌کنیم و تا امروز هم پای این سخن هستند درصورتی که شاید خودشان هم بدانند دست‌کم در بعضی شهرها نیاز به قرنطینه است. به نظر من، چنین حالی ناشی از بی‌اعتمادی مردم به مسئولان و متقابلا بی‌اعتمادی مسئولان به مردم است. مردم تصور می‌کنند مسئولان به گفته‌هایشان عمل نمی‌کنند و همه واقعیت را نمی‌گویند. مسئولان هم فکر می‌کنند اگر مردم تعطیل شوند و سر کار خود حاضر نشوند، به جای آنکه در خانه بمانند تا شیوع کرونا منقطع شود، به سفر می‌روند یا در شهر تردد می‌کنند. دولت یک‌سری محدودیت‌های دیگر هم دارد. دولت در ابعاد کلان باید امنیت را فراهم کند و اگر قرار باشد به‌وضوح عمق بحران را تشریح کند، ممکن است مردم برای خرید یک شیشه ماده ضدعفونی‌کننده وضعیتی آشفته را ایجاد کنند. به هر حال، این بی‌اعتمادی میان مردم و مسئولان وجود دارد و اگر هرچه سریع‌تر حل نشود، ممکن است در آینده هزینه‌های بیشتری را بر کشور تحمیل کند».

صادق زیباکلام، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، درباره همین موضوع یعنی تئوری توطئه برخی مسئولان به «اعتمادآنلاین» گفته است: «شما هیچ پدیده مهم داخل و خارج از کشوری را پیدا نمی‌کنید که به شکلی به تئوری توطئه ارتباط پیدا نکند. البته این فقط در ایران نیست که هر چیزی را که با آن مخالف هستند، به این تئوری پیوند می‌زنند... جالب است که این فقط عوام و لایه‌های کمتر تحصیل‌کرده نیستند که به این تئوری پناه می‌برند؛ بسیاری از تحصیل‌کرده‌ها هم پدیده‌های سیاسی و اجتماعی را به تئوری‌های توطئه مربوط می‌دانند».

او ادامه داد: «بخشی از این اظهارات به واسطه پیشینه تاریخی و به نظر من بخش مهم‌تر آن به ضعف و عقب‌ماندگی علوم انسانی در ایران برمی‌گردد که چون نمی‌توانند خیلی از پدیده‌های سیاسی و اجتماعی را تبیین کنند، این پیشامدها را توطئه تلقی می‌کنند».

زیباکلام با اشاره به شیوع ویروس کرونا علاوه بر ایران، در کشورهای اروپایی، آمریکا، چین، کشورهای آمریکای جنوبی و... افزود: «نمی‌گویم در این کشورها و بیرون از ایران هیچ‌کس به دنبال تئوری توطئه نیست؛ یعنی بیرون از ایران هم احتمال تئوری توطئه مطرح می‌شود؛ عده‌ای می‌گویند خود چینی‌ها این کار را کرده‌اند تا آمریکایی‌ها و اروپایی‌هایی که به چین آمده و سرمایه‌گذاری کرده‌اند، بروند و چین سهام آنها را ارزان بخرد. عده‌ای می‌گویند آمریکایی‌ها مسبب این اتفاق هستند، اما تعدادشان در اقلیت محض است».

درخواست ۴ نماینده از ۴ نهاد در رابطه با کرونا

نایب‌رئیس فراکسیون امید: با مسئله‌ای کلان‌تر از سطح توان دولت روبه‌رو هستیم

شرق: باید عزمی در سطح حاکمیت برای مقابله با کرونا به وجود بیاید؛ این را عده‌ای از نمایندگان مجلس می‌گویند. چهار نفر از اعضای فراکسیون امید در توییتی مشترک نوشتند «دو گام ضروری» برای مقابله با کرونا، ابتدا دستور شورای عالی امنیت ملی برای قرنطینه نقاط بحرانی و سپس استفاده از منابع مالی نهادهایی است که نقدینگی بالایی در آنها وجود دارد. عبدالکریم حسین‌زاده، نایب‌رئیس فراکسیون امید، طیبه سیاوشی، فاطمه سعیدی و حمیده زرآبادی، چهار نماینده‌ای هستند که نوشتند: «استفاده از منابع مالی فراوان شستا، ستاد اجرائی فرمان امام، بنیاد مستضعفان و هلدینگ‌های پتروشیمی، برای تهیه و توزیع ماسک، لباس، عینک و سایر ملزومات کادر درمانی» یکی از ضرورت‌های مقابله با بحران است. حسین‌زاده به «شرق» می‌گوید: «تمام این نهادها پایگاه معنوی دارند و از امکانات مالی بالایی برخوردار هستند». از سوی دیگر، عده دیگری از نمایندگان نیز هنوز به قرنطینه‌نشدن قم انتقاد دارند. علیرضا رحیمی، عضو هیئت‌رئیسه مجلس، در این زمینه از نمایندگان قم پرسیده: «چرا شیوع کرونا در قم تحت‌الشعاع انتخابات مجلس پنهان شد؟ چرا شهر قم برای پیشگیری از شیوع کرونا در کشور قرنطینه نشد؟». او نوشته است: «تمام ایران از بی‌مبالاتی و قصور در عدم کنترل اولیه ویروس در قم گرفتار شده‌اند». البته دولت تاکنون گفته قرنطینه را روشی علمی نمی‌داند. حسین‌زاده اما توضیح می‌دهد که «در بحث قرنطینه، موضوع دولت نیست بلکه حاکمیت مطرح است. کسانی که می‌گویند به قرنطینه باور نداریم، به دنیا نگاه کنند. در چین و حتی ایتالیا این اتفاق افتاده و ما نباید خود را تافته جدابافته از سایر ملل و کشورها بدانیم».

باید از همه امکانات استفاده شود

نایب‌رئیس فراکسیون امید در ادامه گفت: «در شرایطی که با تنگنا و کمبود جدی ملزومات کادر درمانی روبه‌رو هستیم، نیازی نیست کسی به ما کمک کند. همین ارگان‌ها و سازمان‌ها همت داشته باشند و اعتبار را بگذارند، می‌توان امکانات را با تولید یا حتی واردات تأمین کرد. آنچه واضح است، ناموفق‌بودن مسئولان در مقابله با کروناست. این موضوع با نگاهی به نقشه شیوع آن در سطح کشور مشخص است. چه‌بسا اگر روز اول قرنطینه را الزامی می‌کردیم، این ویروس به این سطح گسترده پخش نمی‌شد». حسین‌زاده ادامه داد: «در بحث قرنطینه، موضوع دولت نیست. موضوع حاکمیتی است. اکنون ما با مسئله‌ای کلان‌تر از سطح توان دولت روبه‌رو هستیم که کشور با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. پس تمام توان و امکانات حاکمیت باید به صحنه بیاید و همه امکانات در راستای ریشه‌کن‌کردن این ویروس استفاده شود». حسین‌زاده توضیح می‌دهد: «مهم‌ترین موضوع قرنطینه در کشور چین، محاصره ویروس در شهر ووهان بوده است. این اعتقادنداشتن ما به قرنطینه باعث شده امروز در دورافتاده‌ترین شهرها نیز ویروس پخش بشود. چه‌بسا اگر این اقدام را می‌کردیم، چنین شرایطی ایجاد نمی‌شد». او در ادامه به امکاناتی اشاره می‌کند که باید با اجماع در سطح حاکمیت از آنها استفاده شود: «این دستگاه‌ها، سازمان‌ها و ارگان‌ها برای دو یا سه ماه تمام پروژه‌ها را تعطیل کنند و انرژی خود را روی مدیریت و کنترل این ویروس بگذارند. برای دهک‌های کم‌توان و ضعیف جامعه نیز یارانه‌های چند ماه آینده را زودتر واریز کنند». حسین‌زاده تأکید می‌کند که همه اینها نیز «صددرصد امکان‌پذیر است»؛ چراکه به گفته او «امکانات با توجه به سرمایه مالی نهادهایی که از آنها اسم بردیم، وجود دارد و همه اینها بیت‌المال است و چه جایی بهتر از خرج‌شدن در چنین بحرانی که برای نجات جان مردم هزینه می‌شود. نباید این‌گونه باشد که مسئولان از خدمات و امکانات بهتری استفاده کنند. تفاوت مسئول و غیرمسئول باید گرانی و سنگینی بار مسئولیت بر شانه‌های او باشد. فکر می‌کنم الان زمانی است که باید همه سازمان‌ها و ارگان‌ها حداقل از داشته‌های مالی خود ایثار کنند تا بتوانیم تمام کمبودهای کشور را رفع کنیم و نقاط صددرصد بحرانی ازجمله قم، رشت و تهران را در قرنطینه کامل ببریم تا بتوانیم جان ملت عزیزمان را حفظ کنیم».

روزنه

حسین شیخ‌الاسلام درگذشت

مرگ مردی که مسیر زندگی محمدجواد ظریف را تغییر داد

شرق: حسین شیخ‌الاسلام، دیپلمات باسابقه و از قدیمی‌های وزارت خارجه، اسیر کرونا شد و روز جمعه در ۶۷سالگی درگذشت. او که متولد ۱۳۳۱ در اصفهان بود، فعالیت‌های سیاسی خود را پیش از انقلاب آغاز کرد. مرحوم شیخ‌الاسلام در سال‌های ۵۷ و ۵۸ دبیری انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا را بر عهده داشت و بعد از انقلاب نیز از دانشجویانی بود که در ماجرای اشغال سفارت آمریکا در تهران در سال ۵۸ نقش داشت و اسناد باقی‌مانده در سفارت را ترجمه می‌کرد.

او ازجمله افراد هسته اولیه وزارت امور خارجه بعد از پیروزی انقلاب بود که در سال ۶۰ به‌عنوان اولین معاون سیاسی این وزارتخانه منصوب شد و تا سال ۱۳۷۶ در این پست باقی ماند. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، در کتاب خاطرات خود با نام «آقای سفیر» از حسین شیخ‌الاسلام به‌عنوان فردی نام می‌برد که مسیر زندگی او را تغییر داده است. ظریف در این کتاب نوشته است: «پس از پیروزی انقلاب، روزی آقای شیخ‌الاسلام با بنده صحبت کردند و گفتند همه می‌توانند متخصص کامپیوتر شوند اما هرکسی نمی‌تواند برای جمهوری اسلامی یک سیاست‌مدار خوب باشد. تغییر رشته و در نتیجه تغییر مسیر زندگی و تقدیر بنده به خاطر فرمایشات و اصرار ایشان بر این امر اتفاق افتاد». ظریف در پیام تسلیت خود نیز از او به‌عنوان دوست قدیمی، برادر صادق و دلسوز و همکار ارزشمند و پیش‌کسوت نام برده و نوشته است: «نام حسین شیخ‌الاسلام برای بنده همواره با دیانت، صداقت، صراحت و رفاقت همراه بوده است. مجاهدت‌ها و خدمات صادقانه حسین عزیز هیچ‌گاه فراموش نخواهد شد».

مرحوم شیخ‌الاسلام در سال ۷۷ و در دولت اصلاحات به‌عنوان سفیر ایران در سوریه انتخاب شد و تا سال ۸۲ در دمشق ماند. او در گفت‌وگو با «انتخاب»، خاطره‌ای از دوران سفارت خود درباره دیدار حافظ اسد و بیل کلینتون، رؤسای جمهور وقت سوریه و آمریکا، در رابطه با صلح با اسرائیل را این‌گونه نقل می‌کند: «کلینتون در سال ۱۹۹۹ خواست با اسد دیدار داشته باشد؛ اسد در کل سه بار با رؤسای جمهور آمریکا ملاقات کرده بود که هیچ‌کدام در آمریکا نبود؛ اسد هیچ‌گاه به آمریکا و حتی سازمان ملل نرفت. او آدم خاص و مستقلی بود؛ برای ملاقات با کلینتون به ژنو رفت و در آنجا کلینتون درباره دریاچه طبریا اصرار می‌کند و اسد می‌گوید من در سال ۶۷ در جولان افسر بوده‌ام و ما کنار دریاچه بودیم؛ کلینتون می‌گوید می‌دانیم شما کنار دریاچه بوده‌اید، اما صلح مهم است و اسرائیل نمی‌تواند بدون داشتن قطعی این آب صلح کند. شما از این آب گذشت کنید، من در عوض آن، آبی از فرات به شما می‌دهم که در طول سوریه استفاده کنید؛ یعنی به نظامیان ترک دستور می‌دهیم حقابه شما را در فرات مطابق آب دریاچه طبریا افزایش دهند. اسد نمی‌پذیرد. کلینتون می‌گوید ما از نظر اقتصادی کشور قدرتمندی هستیم و به شما در ساخت اقتصاد سوریه کمک می‌کنیم؛ اسد می‌گوید: خاک یک کشور برای خریدوفروش نیست. وقتی کلینتون اصرار بیشتر می‌کند، اسد به کلینتون می‌گوید سنی از من گذشته، خرفت شده‌ام و از الان کر هم شدم و در نهایت به تعامل نمی‌رسند و اسد به سوریه بازمی‌گردد». مرحوم شیخ‌الاسلام بعد از سفارت در انتخابات مجلس هفتم شرکت کرد و به مدت چهار سال نماینده مردم تهران بود. او در سال ۸۷ و ۸۸، در دولت احمدی‌نژاد، قائم‌مقام وزیر خارجه بود. شیخ‌الاسلام در سال ۸۹ تا ۹۵ نیز دبیرکلی دبیرخانه دائمی کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه ملت فلسطین را عهده‌دار بود.

معاونت امور بین‌الملل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و همچنین معاونت سیاسی و معاونت عربی و آفریقا، معاونت خاورمیانه و کشورهای مشترک‌المنافع وزیر خارجه از سمت‌های او بوده است. او مشاور علی لاریجانی و مدیرکل امور بین‌الملل مجلس شورای اسلامی نیز بود که در سال ۹۵ جای خود را به حسین امیرعبداللهیان داد. بعد از آن محمدجواد ظریف او را به‌عنوان مشاور وزیر امور خارجه انتخاب کرد. مرحوم شیخ‌الاسلام از خرداد سال پیش نیز به سمت معاونت امور بین‌الملل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منصوب شده بود.

تعویق مراسم بزرگداشت شیخ‌الاسلام

علی لاریجانی، رئیس مجلس، علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل، حمید بعیدی‌نژاد، سفیر ایران در لندن، حسین امیرعبداللهیان، دستیار ویژه رئیس مجلس در امور بین‌الملل، سردار باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس، ستاد انتفاضه و قدس، جنبش نجبا و حزب‌الله لبنان در پیام‌های جداگانه‌ای درگذشت حسین شیخ‌الاسلام را تسلیت گفتند. همچنین خانواده این مرحوم در بیانیه‌ای خبر دادند با وجود برنامه‌ریزی اولیه برای برگزاری مراسم ترحیم، با توجه به شرایط ویژه ایران و جهان در رویارویی با ویروس کرونا، مراسم بزرگداشت و قبول تعازی را به تعویق انداخته و این مراسم پس از فروکش بحران جاری در آینده برگزار خواهد شد.